

به نام خدا
در برنامه ۹۳۵ آقای شهبازی این جمله را فرمودند که «سبک زندگی با خرد کل» و این متن مقایسه‌ای است بین این سبک زندگی با سبک زندگی با عقل جزوی یا من ذهنی.
به طور کلی می‌توانیم روابط خود را در این جهان به چهار دسته تقسیم کنیم:
(۱) در رابطه با خود
(۲) در رابطه با دیگران
(۳) در رابطه با خدا
(۴) در رابطه با جهان و طبیعت

(۱) در رابطه با خود در سبک زندگی با خرد کل ما خود را به عنوان امتداد خداوند و از جنس او شناسایی می‌کنیم که لایق کرامت و بزرگواری است.

من از عدم زادم تو را بر تخت بنهادم تو را
کلمه من خوانده نمی‌شود
اینه‌ای دادم تو را باشد که با ما خو کنی
مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۴۳۶

اما در رابطه با خود بر اساس من ذهنی:

ما خود را به عنوان هشیاری جسمی و ذهنی شناسایی کرده و در زندان ذهن پر درد و افسرده می‌مانیم.
جان همه روز از لگدکوب خیال
وز زیان و سود وز خوف زوال
نی صفا می‌ماندش نی لطف و فر
نی به سوی آسمان راه سفر
مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۱۱ و ۴۱۲

(۲) در رابطه با دیگران بر اساس سبک زندگی با خرد کل، ما همان یک هشیاری الهی و زندگی را در همه انسان‌ها شناسایی کرده و احساس جدایی نداریم.

منبسط بودیم و یک جوهر همه
بی سر و پا بدیم، آن سر همه
یک گهر بودیم همچون آفتاب
بی گره بودیم و صافی همچو آب
مولوی، مثنوی، دفتر اول، ابیات ۶۸۶ و ۶۸۷

در رابطه با دیگران بر اساس من ذهنی ما انسان‌ها را جدای از خود می‌دانیم و مدام با مسئله سازی و مانع بینی و دشمن سازی روابط خود را با دیگران به درد می‌اندازیم.

(۳) در رابطه با خدا بر اساس خرد کل انسان در درون خود خدای خود را می‌یابد و یک هشیاری الهی سراسر رحمت اندر رحمت را تجربه می‌کند.

نقش من از چشم تو آواز داد
که منم تو، تو منی در اتحاد
مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۰۳

در رابطه با خدا بر اساس من ذهنی اعتقاد به یک خدای ذهنی و بیرونی که از بچگی ما را از او ترسانیده‌اند. (در داستان سلطان محمود و غلام هندو)

من همی لرزیدمی از بیم تو
غافل از اکرام و از تعظیم تو
مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۳۹۸

(۴) در رابطه با طبیعت و جهان بیرون بر اساس سبک زندگی با خرد کل، انسان موحد و عاشق بر کل هستی عشق می‌ورزد و در حال پخش عشق، لطف و آبادانی است.

آمد شرابی رایگان، زان رحمت، ای همسایگان
وان ساقیان چون دایگان شیرین و مشفق بر ولد

ای دل ازین سرمست شو، هر جا روی سرمست رو
تو دیگران را مست کن تا او تو را دیگر دهد
مولوی، دیوان شمس، غزل ۵۳۷

اما در رابطه با طبیعت و جهان بیرون بر اساس سبک زندگی با عقل جزوی و من ذهنی انسان مدام به تخریب طبیعت و خرابی در جهان بیرون می‌پردازد.

کز رو و شب کور و زشت و زهرناک
پیشه او خستن اجسام پاک
مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۴۳۱

با تشکر
-خانم طاووس از تهران